

روح القدس و کار او

درس ۴: تعمید روح القدس

دکتر آر. سی. اسپرول

ما الان در زمانی از تاریخ مسیحیت زندگی می‌کنیم که بسیار غیرعادی هست، حداقل از این لحاظ که کتاب‌های زیادی درباره‌ی شخص و کار خدای روح القدس در ۵۰ سال اخیر در مقایسه با کل تاریخ مسیحیت نوشته شده. و بلافاصله این سؤال رو ایجاد می‌کنه که چرا؟ چرا یکدفعه این همه فوران بسیار زیاد آثار ادبی در زمینه‌ی شخص و کار روح القدس رو داریم؟

خُب، جوابش مشخصه. به خاطر تأثیر دنیای، به اصطلاح جنبش کاریزماتیکه که واقعاً ریشه‌هاش در قرن ۱۹ بود، اما اواسط قرن ۲۰، در به اصطلاح فرقه‌های اصلی وارد شد. حالا، یک تاریخ غیرعادی در پس به اصطلاح خدمت (یا جنبش) کاریزماتیک هست و این تاریخ مربوط به ریشه‌های اصلی پنطیکاستی‌ها و آموزه و تعلیمشون درباره‌ی مفهوم تعمید روح القدس.

به نظرم همه‌ی ما شنیدیم که مردم درباره‌ی تعمید روح القدس صحبت می‌کنند و میگن من در این زمان مسیحی شدم؛ من در یک زمان دیگه از روح تعمید گرفتم و غیره. یا شاید از شما بپرسند: "آیا تا حالا تعمید روح القدس گرفتید؟" و مخصوصاً به شکلی که مفهوم تعمید روح القدس در ارتباط نزدیک با پدیده‌ی صحبت به زبان‌ها قرار داده شده؛ یعنی تکلم به زبان‌ها یا صحبت به زبان‌ها.

حالا، در الهیات پنطیکاستی اولیه، مفهوم تعمید روح القدس و صحبت به زبان‌ها، به آموزه‌ی تقدیس شدگی متصل بود، یک نوع کمال‌گرایی که از لحاظ "برکت دوم" یا "عمل دوم فیض" بیان شده بود.

و قضیه این بود که عمل اولیه‌ی فیض در هنگام ایمان آوردن هست، اما فراتر از ایمان آوردن به مسیح از طریق قدرت و حضور روح القدس، و همه تصدیق می‌کنند که عمل تولد تازه‌ی جان، واقعاً کار خدای روح القدس بود، اما عمل دوم روح القدس که به همون اندازه چشمگیر، فوری و کامله، عمل دوم فیض نامیده میشه که با اون، شخص می‌تونست تقدیس شدگی کامل رو در زندگی کنونی داشته باشه، و یک نفر از لحاظ اطاعت روحانی و عدالتش، کامل میشد و این جنبش، کمال‌گرایی نامیده شد.

حالا، من اینجا با قلم‌موی بزرگی نقاشی می‌کنم، چون نمونه‌های بسیار مختلفی از این جنبش و الهیات وجود داشت و همه دقیقاً به یک چیز ایمان نداشتند. از درجات و انواع مختلف کمال‌گرایی طرفداری میشد.

اما نکته اینه که در اصل، ایده‌ی تعمید روح القدس، مربوط به نزول خدای روح القدس در جان کسی بود که باید اون شخص رو کامل یا تقدیس می‌کرد و نشانه‌ی دریافت این تعمید روح القدس، صحبت به زبان‌ها بود.

حالا، تأثیر گسترده‌تر جنبش کاریزماتیک، در جایی بود که کل تجربه‌ی صحبت به زبان‌ها و مفهوم تعمید روح‌القدس از مرزهای فرقه‌ای فراتر رفت و بر کلیسای کاتولیک روم، کلیسای لوتری، کلیسای اسقفی، کلیسای پرزبیتری و تقریباً بر هر فرقه‌ای تأثیر گذاشت؛ حالا توجه زیادی به این تفکر شده برای تلفیق الهیات تعمید روح‌القدس با مسیحیت تاریخی. پس حالا چیزی رو داریم که الهیات پنطیکاستی نوین نامیده میشه. واژه "نوبن"، اون رو از الهیات پنطیکاستی قدیمی متمایز می‌کنه و فرق اصلیش در اینه که حالا در جنبش گسترده‌تر کاریزماتیک، دیگه ایده‌ی تعمید روح‌القدس به عنوان عمل دوم فیض برای اهداف تقدیس در نظر گرفته نمیشه، بلکه از این لحاظ با دانش کتاب مقدسی خیلی بیشتری، معتقدم که به عنوان عمل فیض به عنوان عمل الهی روح در نظر گرفته میشه که طراحی شده تا به مردم برای خدمت، عطیه بده یا قدرت ببخشه.

و از این لحاظ، به نظرم، همونطور که گفتم، تناسب خیلی بیشتری با مفهوم عهدجدید درباره‌ی عملکرد روح در تعمید روح‌القدس داره. اما چیزی که از الهیات پنطیکاستی نوین ظهور کرده، دوباره همچنان یک توافق یکپارچه در بین همه‌ی دسته‌ها نیست.

امروزه خیلی از افراد همچنان معتقدند که نشانه‌ی ضروری دریافت تعمید روح‌القدس، صحبت به زبان‌هاست. و اگه به زبان‌ها صحبت نکنید، تعمید نیافتید. اما عده‌ای دیگه معتقدند که صحبت به زبان‌ها می‌تونه با تجربه‌ی تعمید روح‌القدس همراه بشه یا نشه، پس اصرار ندارند که صحبت به زبان‌ها باید به عنوان نشانه‌ای برای مفهوم تعمید وجود داشته باشه.

اما موضوع یکپارچه این ایده اینه که برای یک مسیحی معمولی، یک فاصله‌ی زمانی هست، ضرورتاً نه هر بار، اما اکثر اوقات، یک فاصله‌ی زمانی بین ایمان به مسیح و دریافت تعمید روح‌القدس وجود داره، یعنی شما می‌تونید مسیحی باشید، یک مسیحی حقیقی، و تعمید روح‌القدس نداشته باشید.

همچنین به این معناست که بعضی از مسیحیان تعمید روح‌القدس یافتند و مسیحیان دیگه تعمید روح‌القدس نیافتند. موضوع اینه که هر مسیحی از این امکان برخورداره که تعمید روح‌القدس بگیره، اما هنوز همه تعمید روح‌القدس نیافتند. پس به نوعی، شما در بدن مسیح، "دارند" و "ندارند"ها رو دارید.

حالا توجیه کتاب مقدسی برای ایده‌ی شکاف موقت بین ایمان و تعمید روح و بین این ایده که بعضی از مسیحیان تعمید یافتند و بعضی دیگه تعمید روح نیافتند، بخش‌های روایتی کتاب اعماله، عمدتاً چیزی که در کتاب اعمال باب ۲ درباره‌ی روز پنطیکاست می‌خونیم.

و به خاطر ارتباط بین چیزیه که امروزه توسط انسان‌ها در صحبت به زبان‌ها و غیره تجربه میشه و روایت کتاب مقدس درباره‌ی چیزی که در روز پنطیکاست اتفاق افتاد که این الهیات ظاهر شد.

پس بیاید لحظاتی رو به بررسی گزارش کتاب مقدس پردازیم. در باب ۲ کتاب اعمال از آیه‌ی یک اینطور می‌خونیم: «و چون روز پنطیکاست رسید، به یک دل در یکجا بودند.

که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند پر ساخت. و زبانه‌های منقسم شده، مثل زبانه‌های آتش بدیشان ظاهر گشته، بر هر یکی از ایشان قرار گرفت. و همه از روح‌القدس پر گشته، به زبان‌های مختلف، به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، به سخن گفتن شروع کردند.»

و بعد همونطور که در این متن می‌خونیم، افرادی که از استان‌های مختلف، اونجا بودند و اونها به زبان‌ها صحبت می‌کردند و الی آخر. در آیه‌ی ۱۲ می‌خونیم: «پس همه در حیرت و شک افتاده، به یکدیگر گفتند: «این به کجا خواهد انجامید؟»» پس دوباره، لوقا در روایتش در باب ۲، نه تنها این اتفاق رو توصیف می‌کنه، بلکه این سؤال رو مطرح می‌کنه که مفهوم این اتفاقاتی که اینجا افتاده چیه؟

پس بیاید بشنویم که او چی میگه. «اما بعضی استهزاکنان گفتند که «از خمر تازه مست شده‌اند!» پس پطرس با آن یازده برخاسته، آواز خود را بلند کرده، بدیشان گفت: «ای مردان یهود و جمیع سکنه اورشلیم، این را بدانید و سخنان مرا فراگیرید. زیرا که اینها مست نیستند چنانکه شما گمان می‌برید، زیرا که ساعت سوم از روز است. بلکه این همان است که یوئیل نبی گفت.»

و حالا از نبوت یوئیل نقل قول می‌کنه. «که "خدا می‌گوید در ایام آخر چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت کنند و جوانان شما رویاها و پیران شما خواب‌ها خواهند دید؛ و... در آن ایام از روح خود خواهم ریخت.» و الی آخر.

حالا خیلی برای ما مهمه که درک کنیم وقتی این رویداد اتفاق افتاد، انواع نشانه‌های مرئی وجود داشت و معلومه که صحبت به زبان‌ها، نشانه‌ی مرئی نبود، بلکه نشانه‌ی صوتی بود. اما صدای وزیدن باد شدید نیز بود.

ظهور ستون‌های آتش که از آسمان پایین میومد، که معلومه امروزه شامل این نوع تجربه‌ها نمیشه. اما وقتی پطرس مفهوم این اعمال رو در روز پنطیکاست تفسیر می‌کنه؛ توجه مردم رو به نبوت یوئیل در عهدعتیق جلب می‌کنه، جاییکه یوئیل درباره‌ی ظهور آینده‌ی ملکوت خدا صحبت می‌کرد که وقتی این ملکوت بیاد، خدا روحش رو بر همه‌ی افراد میریزه.

و اگه یادتون باشه، وقتی به عملکرد روح‌القدس در عهدعتیق پرداختیم، جاییکه "کاریماتا" رو دیدیم، که عطایای روح فقط به افراد خاصی مثل موسی یا داوران یا انبیا محدود میشد، و درباره‌ی این صحبت کردیم که در اعداد ۱۱ چه اتفاقی افتاد، جاییکه یترون، موسی رو توبیخ کرد که همه‌ی مسئولیت و بار خدمت رو به تنهایی برعهده گرفته بود و گفت: «کاری که تو می‌کنی خوب نیست.»

و خدا به موسی گفت که نزول می‌کنه و روح‌القدس رو که بر اوست، برمی‌داره و بین ۷۰ شیخ در جماعت توزیع می‌کنه. و وقتی این کار رو کرد و روح بر ۷۰ شیخ ریخت، اونها نبوت کردند. حالا دو نفر از اونها، الداد و میداد، از اون محیط رفتند و یوشع این رو دید و ناراحت شد و به سراغ موسی رفت و گفت: «موسی، الداد و میداد در اردوگاه نبوت می‌کنند.»

جلوی اونها رو بگیر.» چون یوشع عادت کرده بود که فقط موسی برای خدمت مسح داشت و حالا اینجا این افراد دیگه نشانه‌های بیرونی اعطای روح‌القدس و عطایای روح‌القدس رو داشتند و او فکر کرد که اونها نوعی گروه مرتد و بی‌صاحب از انبیای خودگمارده هستند، چون وقتی موسی این دستورالعمل رو دریافت کرد، یوشع اونجا نبود.

موضوع کلیدی اینه که وقتی موسی شکایت یوشع رو شنید، به او گفت: «یوشع، آیا تو برای من حسد می‌بری؟» او گفت: «کاشکه تمامی قوم خداوند نبی می‌بودند و خداوند روح خود را بر ایشان افاضه می‌نمود!» پس موسی میگه: «تو نباید به خاطر این اتفاقات حسودی کنی، چون حالا خدا توزیع قدرت مسح روح‌القدس رو گسترده تر کرده.»

موسی گفت: «کاشکه این بیشتر بود. کاش خدا روحش رو به همه‌ی افراد جماعت اعطا می‌کرد، نه فقط ۷۰ نفر از اونها.» و این خواسته‌ی موسی بود؛ دعای او بود. این نبوت نبود. بلکه وقتی به یوئیل می‌رسیم، دعای موسی به نبوت تبدیل میشه و یوئیل میگه زمانی میاد که خدا روحش رو بر تمامی قوم خدا می‌ریزه، نه فقط بعضی از اونها.

پس اینطور نیست که عده‌ای "دارند" و عده‌ای "ندارند". حالا این برای من خیلی تعجب آورده که وقتی این رویداد در کتاب اعمال گزارش شد، پطرس اون رو به عنوان تحقق نبوت یوئیل می‌بینه. و این برخلاف این ایده بود که حالا خدا روح‌القدسش رو در تجربه‌ی پنطیکاست، به بعضی از ایمانداران می‌ده، ولی به همه‌ی ایمانداران نمی‌ده.

حالا باید به چیزهای دیگه توجه کنیم، با دقت توجه کنید. چیزی که برای ما در کتاب اعمال ثبت شده. اولی زمانی هست که وقتی باب ۲ رو می‌خوانیم، یک سری چیزها می‌بینیم که مهمه توجه کنید، اول، کسانی که اونجا در این رویداد جمع شدند، ایمانداران یهودی از سراسر استان‌های مختلف بودند.

حالا این ایمانداران یهودی جمع شده بودند که عید پنطیکاست عهدعتیق رو جشن بگیرند. و وقتی ایمانداران یهودی به این دلیل جمع شده بودند، روح‌القدس بر اونها ریخت و برای ما آموزنده هست که توجه کنیم، وقتی روح بر ایمانداران یهودی فرو ریخت، این بر همه‌ی اونها ریخت. همه‌ی اون ایمانداران یهودی که در پنطیکاست جمع شده بودند، نزول روح‌القدس رو دریافت کردند، این فقط بر تعدادی از اونها نریخت.

بر همه‌ی اونها ریخت. حالا اونها پیش از تجربه‌ی تعمید روح‌القدس، ایماندار بودند، به خاطر این دوران در تاریخ فدییه؛ پنطیکاست، نمونه‌ی جدیدی رو در نقشه‌ی فدییه‌ی خدا نشون می‌ده؛ پس معلومه که بعضی پیش از دریافت این عطا یا عطایای روح‌القدس، ایماندار بودند.

اما بعد می‌بینیم، یک لحظه صبر کنید؛ سه بخش دیگر رو در کتاب اعمال می‌بینیم که من "پنطیکاست‌های کوچک" می‌نامم. اگر باب ۷ کتاب اعمال رو بخونید، اعطای روح‌القدس به ایمانداران سامری رو می‌بینید. در باب ۷، ببخشید، باب ۸ آیه‌ی ۱۴.

«اما رسولان که در اورشلیم بودند، چون شنیدند که اهل سامره کلام خدا را پذیرفته‌اند، پطرس و یوحنا را نزد ایشان فرستادند. و ایشان آمده، بجهت ایشان دعا کردند تا روح‌القدس را بیابند، زیرا که هنوز بر هیچکس از ایشان نازل نشده بود.»

پس اینجا می‌بینید که چرا مردم میگن یک فاصله‌ی زمانی بین ایمان آوردن و دریافت روح وجود داره، چون قطعاً برای ایمانداران سامری اینطور بود، کسانیکه عیسی رو پذیرفتند، به عیسی ایمان داشتند، اما هنوز روح‌القدس رو دریافت نکرده بودند، «زیرا که هنوز بر هیچکس از ایشان نازل نشده بود که به نام خداوند عیسی تعمید یافته بودند و بس.»

پس دست‌ها بر ایشان گذارده، روح‌القدس را یافتند.» پس حالا سامری‌ها یک پنطیکاست دارند، و همه‌ی این ایمانداران سامری، روح‌القدس رو دریافت کردند. بعد به اعمال باب ۱۰ می‌رید، گزارش اتفاقی که برای خانواده‌ی کرنلیوس با پطرس افتاد، آیه‌ی ۴۴: «این سخنان هنوز بر زبان پطرس بود که روح‌القدس بر همه آنانی که کلام را شنیدند، نازل شد.»

و مومنان از اهل ختنه که همراه پطرس آمده بودند، در حیرت افتادند از آنکه بر امت‌ها نیز عطای روح‌القدس افزوده شد، زیرا که ایشان را شنیدند که به زبان‌ها متکلم شده، خدا را تمجید می‌کردند.» حالا درک می‌کنید که اینجا چه اتفاقی می‌افته؟ پطرس با کرنلیوس که در عهدجدید به عنوان یک خداترس شناسایی شده، ملاقات می‌کنه.

او در یهودیت، یک ایماندار غیریهودی هست. غیریهودیانی که به یهودیت ایمان آوردند، ولی ختنه نشدند، خداترسان نامیده می‌شدند. و حالا پطرس در خانه‌ی کرنلیوس هست و روح‌القدس بر این غیریهودیان خداترس نازل میشه. حالا، پطرس گفت: «آیا کسی می‌تواند آب را منع کند، برای تعمید دادن اینانی که روح‌القدس را چون ما نیز یافته‌اند.»

پس فرمود تا ایشان را به نام عیسی مسیح تعمید دهند. آنگاه از او خواش نمودند که روزی چند توقف نماید.» حالا اینجا نظر پطرس رو در پاسخ به حیرت گروه اعزامی یهودی می‌بینیم که شاهد نزول روح‌القدس بر غیریهودیان بودند. پطرس میگه: «این چه اهمیتی داره؟» «اهمیتش در اینه که ما باید این افراد رو تعمید بدیم.»

باید اونها رو به کلیسای عهدجدید پیوند بدیم. اونها باید اعضای کامل جماعت عهد جدید باشند، چون خدا همون چیزی رو به اونها داده که به ما داده.» حالا دوباره جلوتر در اعمال ۱۹، همین اتفاق برای مسیحیان افسس میفته که اونها هم روح‌القدس رو همونطوری دریافت می‌کنند که در این تجربه‌های دیگر می‌خونیم.

پس چیزی که ما داریم، چهار گزارش نزول پنطیکاستی روح القدس در کتاب اعماله. حالا، دو چیزی که می‌خواهم ببینید، اینه: شماره‌ی یک، اینکه همه‌ی افرادی که به عنوان ایماندار در این صحنه‌ها بودند، روح القدس رو دریافت کردند؛ این مهمه. شماره‌ی دو، این گزارشی که اینجا داریم، چهار گروه متمایز از افرادی رو توصیف می‌کنه که در عهدجدید باهاشون مواجه می‌شیم.

و اونها: اول از همه: یهودیان؛ دوم: سامری‌ها؛ سوم: خداترسان؛ و چهارم: غیریهودیان، افسسیان هستند. حالا اگه با دقت کتاب اعمال، و رسالات پولس رسول رو بخونیم، می‌بینیم که یکی از بزرگترین مباحثات در سال‌های اولیه‌ی کلیسای مسیحی، این سؤال بود که «غیریهودیان در بدن مسیح در کجا قرار می‌گیرند؟» غیریهودیان در ملت اسرائیل، بیگانه بودند.

اونها در عهد دوران عهدعتیق غریبه بودند. یک عضویت نسبی به خداترسان داده بودند، سامری‌ها هیچ عضویتی نداشتند، و غیریهودیان به عنوان افراد خارج از اردوگاه در نظر گرفته می‌شدند. پس حالا که انجیل به این گروه‌ها موعظه میشه، مسأله این بود که با سامری‌هایی که ایماندار شدند چی کار کنیم، با خداترسانی که ایماندار شدند، چی کار کنیم، با غیریهودیانی که ایماندار شدند، چی کار کنیم؟

آیا اونها از عضویت کامل در بدن مسیح برخوردارند یا نه؟ حالا، این برای من تعجب آورده، اگه به ساختار ادبی و پیشروی رؤس مطالب کتاب اعمال نگاه کنید، می‌بینید که لوقا در روایتش، گسترش کلیسای رسولی رو از اورشلیم به یهودیه تا سامره و تا اقصای زمین دنبال می‌کنه.

همونطور که مسیح مأموریت بزرگ رو داد، و به شاگردانش فرمان داد که اول در اورشلیم بمانند تا روح القدس با قدرت بر اونها نازل بشه، بعد باید به یهودیه، سامره و تا اقصای زمین برن. و کتاب اینطوری بازگشایی میشه. و درحالیکه به هر عنصر می‌رسند، هر بخش تحت تأثیر قرار می‌گیره، سامری‌ها، خداترسان، غیریهودیان، خدا با اعطای روح القدس به اونها، ورودشون رو با امتیازات و عضویت کامل به کلیسای عهدجدید تأیید می‌کنه.

مشکل من با الهیات پنطیکاستی اینه که به نظرم، دیدگاه خیلی ضعیفی نسبت به پنطیکاست داره. اهمیتی که عهدجدید برای پنطیکاست قائله، اینه که نزول روح القدس برای کل کلیساست که شامل هر ایمانداری در کلیسا میشه. همونطور که پولس در نوشته‌های تعلیمی‌اش میگه: «زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم.» پس به نظرم، آموزه‌ی کتاب مقدس، برای مفهوم مسیحیانی که تعمید روح القدس رو دارند و مسیحیانی که اینو ندارند، هیچ جایی نداره. این با ایمان آوردن میاد.

این با ایمان آوردن یکی نیست، بلکه این اصل وجود داره که همه‌ی مسیحیان تعمید روح القدس رو دریافت می‌کنند. وقتی به عطایای روح القدس می‌پردازیم به طور کامل‌تر این رو بررسی خواهیم کرد، و این بخش عمده و اساسی نگرانی قرن بیستم هست.